

بررسی نقش قومیت در روابط جمهوری اسلامی ایران و ترکیه (۲۰۱۹-۲۰۰۳)

نورالدین آهی^۱

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبایی تهران، تهران، ایران

چکیده

پژوهش حاضر به منظور بررسی نقش قومیت گردی در روابط ایران و ترکیه در دوره حزب عدالت و توسعه صورت گرفت. این نوشتار با استفاده از روش توصیفی تحلیلی، روابط ایران و ترکیه را در پیوند با مسئله کردها از سال ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۹ را بررسی می‌کند. همکاری و اتحاد گروه‌های جدایی طلب یعنی پ.ک.ک. و پژاک از یک طرف و شکل‌گیری دولت نیمه مستقل کرد در شمال عراق و در مجاورت مرزهای ایران و ترکیه از طرف دیگر، آنکارا و تهران را به اتحاد و همکاری در مبارزه با گروه‌های جدایی طلب سوق داده است. یافته‌های تحقیق بر نقش قومیت گردی در روابط آنکارا و تهران تأکید دارد. قومیت گردی به ویژه در کردستان عراق و مناطق کردنشین سوریه، موجب واگرایی در روابط ایران و ترکیه شده است. همکاری‌های اطلاعاتی و امنیتی ایران و ترکیه و همکاری ایران و ترکیه برای جلوگیری از پیدایش یک کشور کرد موجب همگرایی در روابط ایران و ترکیه شده است.

واژه‌های کلیدی: قومیت گردی، همگرایی، واگرایی، ایران، ترکیه.

۱- مقدمه

ایران و ترکیه با دسترسی به آب‌های آزاد و اقیانوس هند و نیز ارتباط میان آسیا و اروپا موقعیت خاص ژئوپلیتیکی در منطقه دارد. ترکیه با سابقه تاریخی امپراتوری عثمانی و ایران با حکومت بر گستره وسیعی از سرزمین‌های پیرامونی خود، دوره‌ای از رقابت‌های سرزمینی و سیاسی را پشت سر گذاشته‌اند و وارد دور جدیدی از رقابت‌ها شده‌اند. فروپاشی اتحاد شوروی، هر دو کشور را در کنار بازیگران دور و نزدیک، به بازیگری بازی بزرگ تبدیل کرده است (Koolae, 2009). همچنین آذربایجان غربی تنها استان کشور است که با ترکیه مرز مشترک دارد و دروازه ورود ایران به اروپا می‌باشد. با نگاه به روابط سال‌های اخیر دو کشور ایران و ترکیه، به خوبی می‌توان دریافت که هرچند دو کشور در پی افزایش نفوذ خود در منطقه البته با استراتژی‌های گوناگون می‌باشند اما پیشینه تاریخی روابط بی‌تنش و مبتنی بر همکاری‌های اقتصادی، سیاسی و امنیتی دو کشور زمینه‌هایی فراهم آورده است که این روابط از استحکام کم نظیری در سطح منطقه برخوردار باشد. موضوعی که اکنون دو کشور را بیشتر به یکدیگر نزدیک می‌کند موقعیت ژئوپلیتیکی دو کشور در منطقه است. چنین موقعیتی ایران و ترکیه را برای همکاری‌های بیشتر ترغیب می‌کند (کتابی، ۱۳۹۲). در این میان، روابط ترکیه و ایران با قومیت‌گردها، کم و بیش ارتباط داشته است. جمعیت قابل توجه کردها در هر دو کشور اهمیت دارد. مشکلی به نام کردها در ترکیه و در آمیختن آن با مسائل منطقه‌ای بر سیاست‌های این کشور تاثیرگذار بوده است. در هر سه دهه اخیر، ترکیه نزدیک به ۴۰۰ هزار سرباز در مناطق کردنشین خود مستقر کرده است. جنگ با پکک میلیاردها دلار برای ترکیه هزینه داشته است و سیل مهاجرت چنان بوده که در حال حاضر نیمی از جمعیت برخی از شهرهای کنار مدیترانه را که در ۴۵ سال گذشته گردی در آنها زندگی نمی‌کرد، اکنون کردها تشکیل می‌دهند (Olson, 2005).

روابط ایران و ترکیه همواره حول دو محور همکاری و منازعه استوار بوده است که این همکاری‌ها به صورت سیاسی، اقتصادی و تا حدی نظامی بوده و از پیمان سعدآباد تا پیمان بغداد، سنتو و آر. سی. دی و اکو ادامه یافت. و منازعات و درگیری هم حول اختلافات مربوط به اقلیت‌ها یعنی کردها، آذری‌ها و تا حدی ارمنه و مخالفان که معمولاً ایرانیان ساکن ترکیه بودند صورت گرفته است. در مجموع می‌توان گفت دو کشور ایران و ترکیه در دوره‌ی زمانی ۲۰۰۳ تا الان بهترین روابط دو جانبه‌ی خود را از ۱۹۷۹ به بعد تجربه می‌کنند (به استثنای دوران کوتاه مدت دولت ازبکان) در دوران اخیر، بسیاری از مسائل دو جانبه حل شده و مواردی چون مسأله‌ی کردها که سال‌ها عاملی برای تعارض مناسبات دو کشور بود، امروزه تبدیل به زمینه‌ای برای همکاری شده اند (برزگر، ۱۳۸۷). قومیت‌گرد و اتهامات متقابل دو کشور مبنی بر حمایت طرف مقابل از گروه‌های مخالف گرد، به ویژه ادعاهای مقامات ترکیه تا قبل از آغاز قرن بیست و یک مبنی بر حمایت ایران از پ.ک.ک (P.K.K) تا دوران اخیر همواره از مهم‌ترین عوامل در تضعیف روابط دو جانبه بوده است. اقدامات متعدد ایران علیه پ.ک.ک تا قبل از ۱۹۹۹ هرگز نتوانست دولت ترکیه را قانع کند. در دوره‌ی جدید اگر چه دو کشور همکاری گسترده‌ای را در این زمینه آغاز کرده‌اند، اما امکان بر هم خوردن این وضعیت و استفاده‌ی یکی از کشورها از عنصر گرد به عنوان اهرم فشار علیه دیگری همچنان پا بر جا می‌باشد. (Aras, 2009). در دوره‌ی اخیر به ویژه از سال ۲۰۰۳ تاکنون، دو کشور همسویی گسترده‌ای در مبارزه با گروهک‌های جدایی طلب گرد یعنی پ.ک.ک (P.K.K) و پژاک (PJAK) نشان داده‌اند. بُعد مهم دیگر نیز همکاری دو کشور برای مجاب نمودن دولت مرکزی عراق و حکومت خود مختار کردستان عراق جهت عدم حمایت و حتی مبارزه با گروهک‌های گرد معاند بوده است، زیرا همان طوری که گفته شد خلاء قدرت به وجود آمده در شمال عراق چه بسا یکی از اصلی‌ترین عوامل به وجود آمدن این مسائل امنیتی برای ایران و ترکیه در سال‌های اخیر بوده است. اما مهم‌ترین ملاک در زمینه‌ی توسعه‌ی همکاری‌های امنیتی- نظامی دو کشور در این دوران، امضای قرارداد امنیتی از سوی وزرای کشور ایران و ترکیه در سال ۲۰۰۸ و پس از ۳ سال کار کارشناسی و ۱۲ دور مذاکرات امنیتی می‌باشد که تفاهم نامه مذکور در فروردین ۱۳۸۷ به تصویب مجلس شورای اسلامی ایران نیز رسید. در می‌سال ۲۰۰۴ گروهی از اعضای ایرانی پ.ک.ک. حزب پژاک (حزب زندگی آزاد کردها) را به وجود آوردند. حزب تازه تأسیس روابط بسیار نزدیکی با حزب پ.ک.ک. دارد و پایگاه‌اش در کوه‌های قندیل شمال عراق و در مجاورت پ.ک.ک. است. پژاک همانند پ.ک.ک. خشونت را برای رسیدن به اهداف خود انتخاب نموده است. تأسیس آن

باعث نزدیکی بیش تر دو کشور در زمینه مختلف به خصوص در زمینه مسائل امنیتی شده است. در توافق نامه های همکاری که بین دو کشور به امضا رسیده بر هماهنگی دو کشور در عملیات علیه پ.ک.ک. و پژاک تأکید شده است. هم چنین، در این توافق نامه ها قومیت تبادل اعضای دستگیر شده دو حزب و تبادل اطلاعات نیز مورد توافق قرار گرفته است. در سال های اخیر در کنار تأسیس پژاک تحولات شمال عراق و منافع دو کشور در مهار ناسیونالیسم کردی و جلوگیری از تأسیس یک دولت مستقل کرد در امتداد مرزهای ایران و ترکیه، باعث هم گرایی دو کشور گردیده است. همچنین در فراز و نشیب روابط ایران و ترکیه، قومیت کردی آثار و پیامدهای داخلی و منطقه‌ای آشکاری داشته است. ملاحظات ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی ایران و ترکیه از دهه ۱۹۹۰ به بعد، آشکارا با نیازهای اقتصادی دو کشور پیوند یافته است. این نیازها همکاری دو کشور را معطوف به توجه به واقعیت‌های ژئوپلیتیک نموده است. هیچیک از این دو کشور با نفوذ بر جنبش کردی در کشور دیگر، مشروعیت و ساختار نظام حکومتی دیگری را تهدید نکرده است. از طرفی رقابتهای دو کشور در کردستان عراق و سعی در تأثیرگذاری بر تحولات مناطق کردنشین سوریه پس از بحران سوریه، حملات داعش علیه کوبانی، روابط دو کشور را بهسوی تنش پیش برد. قومیت کردها و ملیگرایی کردی، به ویژه در کردستان عراق و مناطق کردنشین سوریه، موجب واگرایی در روابط ایران و ترکیه شده است. سیاست خارجی ترکیه در دوران حزب عدالت و توسعه دچار تغییرات اساسی و بنیادین شد که «نوع‌ثمنی گرایی جدید» نام گرفت. توجه به خاورمیانه جدید، فرهنگ جدید حاکم بر آن و ملاحظات بومی این منطقه، اساس سیاست خارجی ترکیه را تشکیل می دهد. اما سیاست جدید حزب عدالت و توسعه همواره با این انتقاد روبرو بوده که در تعارض با سیاست های غربی گرایی این کشور بوده است اما واقعیت آن است که ترکیه درصدد ارتقای منزلت استراتژیک در خاورمیانه، ارتقای موقعیت خود به عنوان عضو ناتو و همچنین نزدیک شدن به دروازه های اتحادیه اروپاست. همچنین توجه به مسائل سیاسی و جنبه های ژئوپلیتیکی آن می تواند ره گشای پیش بینی های گوناگونی شود که زمینه های بهتر اداره کردن هر بخشی از کشور را فراهم سازد. بنابراین؛ دو کشور ایران و ترکیه می توانند نقاط مشترک و تاریخی یکدیگر را شناسایی کنند و عوامل واگرا را مدیریت کنند و باعث افزایش همگرایی شوند زیرا عوامل همگرا باعث می شود دست کشورهای قدرتمند به منابع سرشار منطقه کوتاه شود و از نفوذ آنها در منطقه جلوگیری شود که این عوامل می توانند تجارت یا از طریق مسافرت به کشور یکدیگر یا کم کردن موانع گمرکی باشد. امروزه، اهمیت قومیت کردی در منطقه خاورمیانه بیش از هر زمانی دیگر است. ظهور حکومت اقلیم کردستان در شمال عراق و منطقه خودمختار شمال سوریه و همچنین مبارزات مسلحانه پ.ک.ک. باعث تقویت ناسیونالیسم کردی در منطقه شده و نقشه سیاسی خاورمیانه را به چالش کشیده است. منافع مشترک ایران و ترکیه در قومیت جدایی-طلبان کرد باعث شده است تا آنکارا و تهران با تأسیس دولت مستقل کرد در شمال عراق به مخالفت پرداخته و به همکاری اطلاعاتی و عملیاتی علیه گروه‌های تجزیه-طلب کرد یعنی پ.ک.ک. و پژاک اقدام نمایند. تنش بین دو کشور در رابطه با برخی از تحولات منطقه‌ای از جمله تحولات سوریه بر میزان همکاری دو کشور در رابطه با قومیت جدایی-طلبی کرد تأثیر منفی داشته است. قومیت کردی و مبارزه با گروه های کردی جدایی طلب در استراتژی سیاست خارجی منطقه ای تهران در اولویت های پایین تری قرار دارد، در حالی که سیاست خارجی آنکارا در رابطه با منطقه خاورمیانه و به خصوص همسایگان آن متأثر از قومیت کردی در این کشور و رفع تهدیدات امنیتی برخاسته از آن است. برای نمونه، هر چند ایران و ترکیه نگران تمامیت ارضی سوریه هستند و هم چون عراق خواهان حفظ سوریه واحد هستند، ولی اولویت های آن ها با یکدیگر دارای تفاوت اساسی است. اولویت نخست ترکیه در سوریه جلوگیری از خودمختاری گروه های کرد وابسته به پ.ک.ک. است، ولی اولویت نخست ایران در سوریه را نه کردها، بلکه حفظ جهت گیری ژئواستراتژیک سوریه به عنوان بخشی از محور مقاومت تشکیل می دهد و مبارزه با جنبش جدایی طلب کرد در شمال سوریه، در مراحل بعدی اهمیت تهران قرار دارد.

قربانی دازمیری (۱۳۹۴)، سیاست خارجی ایران و ترکیه در قبال تحولات سوریه و پیامدهای منطقه ای آن پرداختند. رویکرد هایی که توسط ایران و ترکیه در سال های اخیر در عرصه سیاست خارجی دنبال شده ، ریشه در تفاوت های تاریخی و رفتار سیاستگذاران و انگیزه های دو کشور دارد. تفاوت بیناهداف استراتژیک ایران و ترکیه است که دیدگاه ها و سیاست های این دو کشور در قبال تحولات سوریه را تعیین می کند. رفتار تهران و آنکارا، بحران سوریه و دیگر تنش های منطقه ای و البته تحولات

جهان عرب، نقش تعیین کننده ای در تعریف چشم انداز خاورمیانه دارد. احمدی (۱۳۹۳)، تأثیر بحران سوریه بر روابط ایران و ترکیه پرداختند. در این راستا، ضمن شرح مختصری از ماهیت بحران سوریه، نخست به راهبرد سیاست خارجی ترکیه در منطقه خاورمیانه اشاره خواهد شد. در ادامه، روابط ترکیه و سوریه پیش از آغاز بحران سوریه تجزیه و تحلیل خواهد شد. سپس، سیاست خارجی ایران و ترکیه در قبال بحران سوریه و تأثیر آن بر روابط دوجانبه آنها بررسی خواهد شد. در پایان، نویسندگان نتیجه گیری می کنند که اگرچه بحران سوریه موجب بروز برخی تنش ها و انعکاسات منفی در روابط سیاسی دو کشور شده است، اما همچنان روابط سیاسی آنها تداوم یافته است که نمود آن در دیدارهای دیپلماتیک سطوح بالای مقامات سیاسی دوطرف و یا رایزنی های مستمر آنها درباره مسائل مهم منطقه ای نمایان است. کتابی (۱۳۹۲)، بررسی روابط سیاسی-اقتصادی کردستان عراق با ترکیه و تأثیر آن بر سیاست خارجی ایران پرداختند. ترکیه در سال های اخیر در زمینه های مختلف سیاسی و اقتصادی نفوذ گسترده ای در منطقه کردستان عراق داشته است و امروزه ترکیه بزرگترین سرمایه گذاری های اقتصادی را در کردستان عراق انجام داده و در زمینه سیاسی نیز توانسته نفوذ گسترده ای را در این منطقه کسب کند و این موضوع باعث نزدیکی بیش از پیش کردستان عراق به ترکیه و ایجاد فاصله ای هرچند اندک در روابط این منطقه با ایران و به خطر افتادن منافع ایران در کردستان عراق شده است. بکیک^۱ (۲۰۱۶)، به بررسی ممانعت از جنگ بر سر کردستان پرداختند. فعالیت های اخیر جنبش کردی در منطقه خاورمیانه و پیشینه تاریخی و شرایط فعلی جنبش کردی را در هر چهار کشور ایران، ترکیه، سوریه و عراق مورد بررسی قرار داده است. از دید نویسنده، یکی از پیامدهای حمله سال ۲۰۰۳ آمریکا به عراق گسترش آروزهای ملی گرایانه سرکوب شده جنبش کردی در هر چهار کشور یاد شده است که در صورت عدم مهار می تواند ثبات در منطقه خاورمیانه را مختل نماید. قومیت کردی همکاری های کشورهای منطقه از جمله ترکیه و ایران را موجب شده است. در آثار فوق تحولات شمال عراق، منطقه خودمختار شمال سوریه و گروه های تجزیه طلب کرد نظیر پ.ک.ک. و پژاک به صورت همزمان مورد بررسی نبوده اند و هریک از پژوهش های موجود به بخشی از واقعیت اشاره کرده و جنبه یا جنبه های دیگر مورد اغفال قرار گرفته اند. کاراشلو^۲ (۲۰۱۱)، روابط ایران و ترکیه در دهه ۲۰۰۰ پرداختند. روش آسیای میانی شرقی گروه AK دولت یک تغییر از دولت های پیشین را نشان داد. در حالیکه قصد انجام نقشی فعال و تاثیرگذار در خاور میانه دارد، آن ها به منظور رسیدن مشکلات به صفر در روابطشان با همسایگان به خوبی ارتباطاتشان تلاش می کنند. این مقاله روابط ترکیه با یکی از ایالات در منطقه - ایران را بررسی می کند. تحت ساست منطقه ای پیشرفته، دولت ترکیه هدف در صدد حفظ و توسعه روابط با ایران می باشد. مخصوصاً محاسبات استراتژیکی در در امنیت، انرژی و اقتصاد در نگرش ترکیه به سمت ایران تأثیرگذار است. در همین زمان، ایران با قصد پیشرفت روابط با ترکیه به دلایل واقع گرایانه ظاهر می شود. آنچه که برای دو کشور مشهود است این است که هر دو آن ها برای پیشرفت روابط مشترک تلاش می کنند، آن ها به طور همزمان در جست و جوی راه هایی به منظور تحکیم نقش منطقه ای می باشند. در این ارتباط، این متن درباره این که یک روابط حسنه نزدیک واقع گرایانه بین دو کشور وجود دارد بحث می کند. ستین^۳ (۲۰۱۲)، روابط ایران و ترکیه پرداختند. روابط ایران و ترکیه در طول سالها فراز و نشیب زیادی را در پرتو تحولات داخلی در دو کشور، منطقه و جهان در برداشته است. یکی از موضوعهای مهم در روابط دو کشور، قومیت کردها و فعالیتهای آنان از یکسو و بازیگران منطقه ای و فرامنطقه ای از سوی دیگر در بهره برداری از این تلاشها در جهت تأمین اهداف و منافع آنان بوده است. مسائل کردها بر روابط ایران و ترکیه با سوریه هم تأثیر داشته است. هر سه کشور اقلیت قابل توجهی از کردها را در خود جای داده اند. پراکندگی کردها از یکسو و گسترش فرآیندهای دموکراتیک سازی در این کشورها، با ایجاد فرصت برای قدرتهای منطقه ای و فرامنطقه ای همراه شده است. مطالعاتی که در این

¹ Bekic

² KARACASULU

³ Stein

زمینه وجود دارد، بیشتر به گردهای عراق مربوط است. در مورد تأثیر قومیت کردی بر روابط ایران و ترکیه، مطالب اندکی بر این موضوع تمرکز داشته است. منابع موجود بیشتر در مورد تأثیرپذیری ترکیه از تحولات مناطق کردنشین و یا تأثیرپذیری گردهای ایران از خودگردانی کردهای عراق نوشته شده است. یکی از این عوامل همگرا و گاه واگرا قومیت گردها بوده که در این آثار تجزیه و تحلیل شده است. مقاله‌ها و کتاب‌های مورد استفاده در این پژوهش، کمتر به صورت مستقل به تأثیر قومیت کردی در روابط ایران و ترکیه پرداخته‌اند.

۲- توازن حساس بین قومیت ترک- کرد

یکی از دلایل رفتار خویشنادرانه ایران در خصوص همکاری با ترکیه و اینکه خواستار خبری شدن عملیاتهای محدود مشترک نیست، وجود جمعیت کرد با آگاهی بسیار بالای سیاسی در داخل کشور است. حکومت تهران تلاش می کند معضل کردها را به شکل «معضل دیگران» و در رأس آنها ترکیه وانمود کند و در این راستا گفتمان و استراتژی ثابتی را دنبال می کند، بدین جهت انتظار نمی رود از این روش دست بردارد. حکومت که در دوران بعد از انقلاب توانسته توازن بین اقلیتهای کرد و ترک را در درون جبهه بندی اصولگرا- اصلاح طلب برقرار کند، به ویژه با افزایش هویت قومی در میان ترکها، مجبور به رفتاری محتاطانه در معادلات حساس خواهد بود. برای نمونه، حکومت که در اوایل دهه هفتاد نسبت به اشغال قره باغ و اراضی آذربایجان سکوت اختیار کرده و واکنش چشمگیری نیز از افکار عمومی ندیده بود، دیگر تداوم همان رفتار برایش دشوار می نماید. چنانکه جملات پارچه نوشته ای در عکسی که پاشینیان، نخست وزیر ارمنستان، در سفرش به تهران در باشگاهی ارمنی ثبت کرد، نه تنها واکنش فعالان جوان دارای هویت قومی قوی، بلکه واکنش تند حوزه های علمیه تبریز را نیز برانگیخت؛ شهری که نقشی بزرگ در نقاط عطف ایران مدرن از انقلاب مشروطیت بدین سوی داشته است. به این دلیل، بعد از این دیگر به اندازه گذشته شاهد تلاش برای کانالیزه کردن خشم ملیت گرایی کردی در داخل کشور بر علیه ترکیه نخواهیم بود.

۳- قومیت کردی روابط ایران و ترکیه

قومیت ی کرد و اتهامات متقابل دو کشور مبنی بر حمایت طرف مقابل از گروه های مخالف کرد، به ویژه ادعاهای مقامات ترکیه تا قبل از آغاز قرن بیست و یک مبنی بر حمایت ایران از پ.ک.ک (P.K.K) تا دوران اخیر همواره از مهم ترین عوامل در تضعیف روابط دو جانبه بوده است. اقدامات متعدد ایران علیه پ.ک.ک تا قبل از ۱۹۹۹ هرگز نتوانست دولت ترکیه را قانع کند. در دوره ی جدید اگر چه دو کشور همکاری گسترده ای را در این زمینه آغاز کرده اند، اما امکان بر هم خوردن این وضعیت و استفاده ی یکی از کشورها از عنصر کرد به عنوان اهرم فشار علیه دیگری همچنان پا بر جا می باشد (Ibid: 69). روابط ایران و ترکیه در طول سالها فراز و نشیب زیادی را در پرتو تحولات داخلی در دو کشور، منطقه و جهان در برداشته است. یکی از موضوعهای مهم در روابط دو کشور، قومیت کردها و فعالیتهای آنان از یکسو و بازیگران منطقه ای و فرامنطقه ای از سوی دیگر در بهره‌برداری از این تلاشها در جهت تأمین اهداف و منافع آنان بوده است. مسائل کردها بر روابط ایران و ترکیه با سوریه هم تأثیر داشته است. هر سه کشور اقلیت قابلتوجهی از کردها را در خود جای داده‌اند. پراکندگی کردها از یکسو و گسترش فرآیندهای دموکراتیک سازی در این کشورها، با ایجاد فرصت برای قدرتهای منطقه ای و فرامنطقه ای همراه شده است. پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۹۷۹ در ایران، با رویکرد محتاطانه ترکیه روبه رو شد (Özcan, and Özdamar, 2010) تهاجم عراق به ایران در سپتامبر ۱۹۸۰ نگرانی های ترکیه را تشدید کرد. با توجه به آشفتگی اوضاع سیاسی ترکیه، نیروهای مسلح بیگمان میخواستند اقدامهای احتیاطی لازم را انجام دهند، در همه استانهای کردنشین حکومت نظامی برقرار کنند و جلوی آشوب و آشفتگی را بگیرند. حکومت نظامی (۱۹۸۰ تا ۱۹۸۳) توان حکومت را در سرکوب حرکت‌های اسلامی و نیز پ ک ک افزایش داد و امکان مبارزه با تبلیغات اسلامی را فراهم کرد. نگرانی اصلی ترکیه این بود که بغداد دیگر قادر به اداره شمال عراق نباشد و حزب دموکرات کردستان عراق یا اتحادیه میهنی کردستان یا هر دو با پکک همکاری کنند: پکک در سالهای اولیه جنگ در شمال عراق و شمال ایران پایگاه امضا و « اصول همبستگی » زده بود. حزب دموکرات کردستان و پکک موافقتنامه‌های موسوم به توافق کرده بودند علیه دشمن مشترک همکاری کنند. در مجموع میتوان گفت پس از انقلاب اسلامی، روابط دو کشور ایران و ترکیه در کشاکش تنش و همکاری‌های تاکتیکی قرار گرفت (Hentov, 2011). مشکل مهمی که در پیوند با

قومیت‌گردها بین آنکارا و تهران بروز کرد، نتیجه عملیات نظامی ترکیه در سالهای ۱۹۹۲ و ۱۹۹۵ و ۱۹۹۷ در شمال عراق بود. شمار نیروهایی که در این تهاجم‌ها شرکت داشتند از ۱۰۰۰۰ نفر در سال ۱۹۹۲ به ۵۰۰۰۰ تا ۶۰۰۰۰ نفر در ۱۹۹۷ افزایش یافت. پاسخ ایران به این تهاجم سکوت بود، اما با اتحاد ترکیه با نیروهای متحدین به رهبری آمریکا در جنگ خلیجفارس، ایران به اهداف ترکیه بدبین بود. هر دو کشور در این که مانع از این شوند که سیل جمعیت‌گردها به مرزهایشان سرازیر شوند، ادراک مشترک داشتند. هیچیک از دو کشور نمیخواستند گردها آن اندازه ضعیف شوند که صدام حسین بتواند آنها را در جهت مقاصد خود تحریک کند. ایران مایل بود بارزانی یا طالبانی نیروهای خود را به کمک شیعه‌ها در شورشهای پس از جنگ بفرستند. تهران همچنین مایل بود که گردها در بیرون راندن مجاهدین خلق از پایگاهشان در عراق به آن یاری کنند. آنکارا مانند همیشه میخواست مانع از این شود که وضع گردهای عراق بر کردهای ترکیه تأثیر بگذارد. به همین دلیل آنکارا از اندیشه ایجاد منطقه امن در شمال عراق حمایت کرد. پیشنهاد ایجاد منطقه امن پیش از آنکه توسط جان میجر نخستوزیر بریتانیای عنوان شود، از سوی تورگوت اوزال رئیس‌جمهور ترکیه مطرح شد (Olsen, 2005).

ایرانی‌ها چندان به منطقه امن خوشبین نبودند و مخالف کاربرد نیروی نظامی و عملیات تأمین رفاه بودند. ایران بیم داشت که منطقه امن به سپری برای گروه‌های ضدحکومت، به ویژه حزب دموکرات کردستان ایران تبدیل شود. از سال ۱۹۹۳ تا ۱۹۹۵ آنکارا آماده بود حزب دموکرات کردستان ایران را به عنوان اهرمی برای ادعای بازداشتن ایران از حمایت پ ک ک به کار برد. در پاسخ به حمایت‌های ترکیه از حکومت اقلیم کردستان، حزب دموکرات کردستان در برابر پ ک ک عملیاتی را طراحی و اجرا کرد (Stein and Bleek, 2012). برخی از تحلیلگران مدعی بودند کمک‌های ایران به پ ک ک، هم در شمال عراق و هم در اردوگاه‌های شمال ایران، در برابر کمک‌های ترکیه به حزب دموکرات کردستان ایران بود. ایران از سال ۱۹۹۳ نیازمند شرایطی بود که بتواند حمایت خود را از این گروه انکار کند، تا آنکارا هم در مقابل حمایت‌های بیشتری را در اختیار گروه‌های ایرانی مخالف حکومت، به ویژه مجاهدین خلق، در ترکیه یا در عراق قرار ندهد. از سال ۱۹۹۲ تا سال ۱۹۹۸ هر دو کشور به سود خود دیدند که مسائل فرامرزی گردها در شمال عراق را، به شیوه‌های اداره کنند که از آثار آن بر گردهای سرزمین خود بکاهند. حضور اسلامگرایان در مسند قدرت در ترکیه، سبب بهبود و گسترش روابط دو کشور شد. در جریان اعمال فشار دولت ترکیه بر سوریه برای بازگرداندن عبدالله اوجالان رهبر پ ک ک به این کشور، ایران کوشید بر رابطه ترکیه و سوریه تأثیر گذاشت و مانع تیرگی روابط دو کشور شود (Calabrese, 1998). جمهوری اسلامی ایران با بهره‌گیری از شرایط ممتاز ژئوپلیتیکی‌اش، در زمینه رفع تنش میان همسایگان خود بسیار فعال بوده است. حمله آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳ سبب شد دیدگاه‌های ایران ترکیه و سوریه در مسیر مقاومت در برابر تقاضاهای کردها برای خودمختاری نزدیکتر شود. سوریه همواره یکی از پایگاه‌های پ ک ک و مبارزه آن علیه ترکیه بوده است. امکانات آموزشی و پشتیبانی برای کمک به مبارزه پ ک ک با دولت ترکیه در این کشور فراهم شده بود. اختلاف‌های ارضی سوریه با ترکیه، به ویژه در مورد استان هاتای و نزدیکی آن به اسرائیل دشمن سوریه، برای توجیه و تداوم این سیاست از سوی ترکیه کفایت میکرد. برنامه ترکیه برای توسعه جنوب شرقی آناتولی (گاپ) نه تنها محل سکونت بسیاری از کردها را نابود میکرد، بلکه تأمین آب در عراق و سوریه را نیز با تهدید روبه‌رو میساخت (Güner, 1997). موضوع چگونگی مصرف آب و اجرای این طرح، بحدهای بسیاری را در روابط سه کشور و مناطق کردنشین آنها ایجاد کرد (Oktav, 2003). مصرف گسترده آب رودخانه فرات در سرزمینهای شمالی در ترکیه، به‌طور جدی بر فعالیتهای کشاورزی در بخشهای جنوبی تأثیر منفی داشته است. ترکیه همواره از حمایت خارجی از کردها به‌شدت بیمناک بوده است. پارلمان ترکیه با اکثریت قاطع، قانونی را تصویب کرد که به ارتش این کشور اجازه میداد در صورت ضرورت، عملیات فرامرزی انجام دهد. این قانون به‌طور مشخص پکک را مورد نظر قرار داده بود. اجماع نیروهای داخلی ترکیه برای سرکوب جداییطلبی سبب شد ترکها قاطعانه نسبت به قومیت‌گردها واکنش نشان دهند. از همان ابتدای تشکیل حکومت خودمختار کردستان در عراق، ترکیه در صدد برآمد با حملات مکرر و عمق خاک عراق حزب کارگران کرد (پ ک ک) را تحت فشار بگذارد. بسیاری از تحلیلگران عقیده دارند انگیزه ترکیه از این دستاوردزیاها، اهمیت استراتژیک و ژئواکونومیک منطقه است و هر زمان که روابط عراق با غرب دوستانه نبوده (مانند دوره وفاداری عبدالکریم قاسم)، یا دولتهای عراق ضعیف بوده‌اند (مانند سال ۱۹۸۳ در جریان جنگ ایران

و عراق و از سال ۱۹۹۱ به بعد)، ترکیه در صدد اجرای اهداف توسعه طلبانه خود برآمده است. در پی به قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه، همکاری ایران و ترکیه وارد مرحله جدید شد. سیاست خارجی این حزب که توسط داود اوغلو طراحی و اجرا شد، همکاریهای اقتصادی و سیاسی دو کشور را در مسیری رو به گسترش قرار داد. آثار این همکاری در مورد گروههای مبارز در مناطق کردنشین هر دو کشور و نیز سوریه بازتاب یافت. در سیاست داخلی ترکیه نیز در مسیر الزامات پیوستن به اتحادیه اروپا در قومیت کردها تغییرات آشکاری شکل گرفت. رجب طیب اردوغان نخست وزیر ترکیه در سال ۲۰۰۵ از اشتباههایی که در مورد کردها رخ داده بود، سخن گفت. اهمیت رابطه با اتحاد اروپا در برآوردن اهداف اقتصادی حزب عدالت و توسعه، تأمین حقوق شهروندی کردها را الزامی ساخت (Tokmajyan, 2012). موضوع مبارزه کردها در شرایط متحول پس از جنگ سرد، تبدیل مبارزه نظامی آنها به سیاسی را ضروری ساخته است. روابط ایران و ترکیه در دهه های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ هر چند بدون تنش بود، ولی بیش تر بر بی-اعتمادی و رقابت استوار بود. برای این رابطه غیر دوستانه می توان دو دلیل عمده بیان کرد: یکی از این دلایل تضاد ایدئولوژیکی رژیم های سیاسی دو کشور است. تضاد ایدئولوژیکی بیش تر به تلاش نظام های سیاسی دو کشور برای مشروعیت بخشیدن به خود در دید عموم بر می گردد. رویکردهای اتخاذ شده از سوی دولت های رفسنجانی و خاتم یحداقل از طرف ایران این تضاد ایدئولوژیکی را کاهش می داد. تأکید دولت خاتمی بر گفتگوی تمدن ها و تنش زدایی با همسایگان بر روابط دو کشور تأثیری سازنده داشت. با پیروزی حزب عدالت و توسعه در ترکیه در سال ۲۰۰۲ تضاد ایدئولوژیکی اهمیت خود را در روابط دو کشور از دست داد (Davut Han, 2015). سیاست خارجی ترکی هدر دهه ۱۹۹۰ و پیش از آن بر غرب گرایی مبتنی بود، ولی پیروزی اردوغان و حزب او در انتخابات باعث تغییراتی در سیاست خارجی ترکیه و به خصوص در رابطه با منطقه خاورمیانه گردید. داود اوغلو نویسنده کتاب عمق استراتژیک معتقد است ترکیه باید درک خود به عنوان بازیگر معمولی منطقه را متوقف کند، زیرا این کشور میراث دار امپراطوری عثمانی است. این رویکرد نه یک انتخاب، بلکه یک ضرورت است. ترکیه باید در خاورمیانه فعال شود تا بتواند تهدیدات برخاسته از منطقه خاورمیانه را دفع و از منافع حضور بهر مند گردد. با توجه به عملیاتی شدن رویکرد اخیر در سیاست خارجی، همکاری ترکیه با ایران به ویژه در زمینه های امنیتی افزایش زیادی یافته است. مانع عمده دیگر در گسترش روابط دو کشور قومیت پ.ک.ک. بود. مقامات ترکیه ایران را به حمایت تدارکاتی و پناه دادن اعضای آن متهم می کردند. در مقابل، جمهوری اسلامی ایران این اتهامات را رد می کرد. در می سال ۲۰۰۴ گروهی از اعضای ایرانی پ.ک.ک. حزب پژاک (حزب زندگی آزاد کردها) را به وجود آوردند. حزب تازه تأسیس روابط بسیار نزدیکی با حزب پ.ک.ک. دارد و پایگاه اش در کوه های قندیل ۴ شمال عراق و در مجاورت پ.ک.ک. است.

پژاک همانند پ.ک.ک. خشونت را برای رسیدن به اهداف خود انتخاب نموده است. تأسیس آن باعث نزدیکی بیش تر دو کشور در زمینه مختلف به خصوص در زمینه مسائل امنیتی شده است. در توافق نامه های همکاری که بین دو کشور به امضا رسیده بر هماهنگی دو کشور در عملیات علیه پ.ک.ک. و پژاک تأکید شده است. هم چنین، در این توافق نامه ها قومیت تبادل اعضای دستگیر شده دو حزب و تبادل اطلاعات نیز مورد توافق قرار گرفته است. در سال های اخیر در کنار تأسیس پژاک تحولات شمال عراق و منافع دو کشور در مهار ناسیونالیسم کردی و جلوگیری از تأسیس یک دولت مستقل کرد در امتداد مرزهای ایران و ترکیه، باعث هم گرایی دو کشور گردیده است. پژوهش حاضر در پی پاسخ گویی به این سؤال اصلی است که قومیت کردی به عنوان متغیر مستقل چه تأثیری در روابط جمهوری اسلامی ایران و ترکیه در دوره حکومت حزب عدالت و توسعه داشته است؟ در پاسخ به این سؤال، بحث اصلی پژوهش این است که تا پیش از تأسیس پژاک، قومیت کردی نقشی واگرایانه در روابط دو کشور بازی می کرد، ولی تأسیس پژاک و تحولات شمال عراق باعث هم گرایی بیش تر دو کشور در رابطه با تحولات منطقه گردیده است.

۳-۱- پ.ک.ک. و نقش آن در روابط ایران و ترکیه

با تأسیس پ.ک.ک. در ۱۹۷۸ و اعلام تأسیس دولت کرد به عنوان هدف مبارزات مسلحانه حزب، قومیت کردها به عنوان تهدید اصلی و نگرانی امنیتی آنکارا مطرح گردید. هر چند به واسطه خشونت های پ.ک.ک. این حزب از حمایت اندک مردم کرد منطقه برخوردار است (Yazici, 2016). ولی سیاست خارجی ترکیه در منطقه عمیقاً متأثر از قومیت کردی در این کشور بوده

و تمرکز اصلی سیاست خارجی ترکیه بر رفع تهدیدهای پ.ک.ک. است (Todorova, 2015). نگرانی امنیتی عمده ترکیه در منطقه خاورمیانه، ابعاد منطقه ای تهدید های پ.ک.ک. است. ترکیه توجه خود را به منطقه خاورمیانه متمرکز نموده است تا بتواند تهدیدات ناشی از پ.ک.ک. را کنترل نماید. احمد داوود اوغلو وزیر خارجه وقت ترکیه و نویسنده کتاب عمق استراتژیک، ظهور پ.ک.ک. را نتیجه غفلت ترکیه از خاورمیانه می داند. اگر ترکیه در خاورمیانه فعال نشود، آنگاه خاورمیانه در ترکیه فعال خواهد شد و پ.ک.ک. مثال واقعی آن است (Davutoglu, 2008). به نظر می رسد یکی از ابعاد قومیت کردها در ترکیه به امنیتی نمودن تقاضاهای کردها برمی گردد (Birdisli, 2014). در اثر خشونت های پ.ک.ک. بیش از ۴۰ هزار نفر که بیش تر آنها سرباز، نگرهبان روستا و شهروند عادی بودند، جان خود را از دست دادند. از ۲۰ جولای ۲۰۱۵، یعنی از زمان به شکست انجامیدن پروسه صلح تا ۹ ژانویه ۲۰۱۷، در اثر برخوردهای نیروهای دولتی با شورشیان پ.ک.ک. ۲۴۹۵ نفر جان خود را از دست داده اند و ۳۸۳ تن از آن ها غیر نظامیان بوده اند (Crisis Group, 2017).

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، ترک ها معتقد بودند ایران از حزب کارگران کردستان ترکیه و قومیت تجزیه ترکیه به عنوان ابزاری برای تضعیف ترکیه استفاده می کند و ایران را به حمایت تدارکاتی و پناه دادن اعضای پ.ک.ک. متهم می کردند (Davut Han, 2015). در مجموع، در طول دو دهه ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ پ.ک.ک. باعث کدورت ایران و ترکیه گردید و روابط دوکشور تحت تأثیر قومیت جدایی طلبی کردی رو به تیرگی نهاد (چگنی زاده و خوش اندام، ۱۳۸۹). اقدامات پ.ک.ک. در حمله به قطار حامل مسافران ایرانی در منطقه مرزی دوکشور (خبرگزاری ایسنا، ۱۳۹۴). و یا انفجار خطوط لوله انتقال گاز ایران به ترکیه (خبرگزاری تسنیم، ۱۳۹۴) امنیت در نواحی مرزی ایران را مختل می نمود و می تواند در آینده بر توسعه صادرات ایران تأثیر منفی بگذارد و ساخت خطوط لوله و تحقق توان مندی های منطقه را با مشکل مواجه نماید. اما آنچه موجب واکنش جدی ایران در مقابل پ.ک.ک. و اتحاد آن با ترکیه گشت، اقدام پ.ک.ک. در شکل دهی به پژاک بود. در تلافی اقدامات پ.ک.ک. در شکل دهی به پژاک، ایران پ.ک.ک. را یک سازمان تروریستی معرفی کرد. هم چنین، ایران شروع به انجام اقدام هایی علیه پ.ک.ک. نمود. هرچند پژاک و پ.ک.ک. به لحاظ سازمانی جدا از هم هستند، ولی پژاک در عمل از شاخه های پ.ک.ک. به شمار می رود. این دو سازمان تروریستی در زمینه های آموزش، لجستیک و نقل و انتقال پرسنل با هم همکاری نزدیک دارند (Self & Ferris, 2016). و هر دو عضو اتحاد جوامع کردستان که شاخه غیر نظامی پ.ک.ک. است، هستند.

فعالیت های پ.ک.ک. در شمال عراق باعث شد شکاف بین ترکیه و آمریکا عمیق تر شود. ایالات متحده نسبت به دغدغه های ترکیه با سردی برخورد نموده و به خواسته های ترکیه برای اقدام علیه پ.ک.ک. وقعی نمی نهاد. علی رغم برخی همکاری های مقطعی، آمریکا در مجموع نه تنها حاضر به اقدام علیه پ.ک.ک. نبود، بلکه در موارد متعدد با دخالت و ورود نیروهای ترکیه در شمال عراق مخالفت می کرد. در جولای ۲۰۰۳ دستگیری یازده نیروی ویژه ترکیه در سلیمانیه توسط نیروهای آمریکایی و برخورد تحقیرآمیز با آن ها موجب برانگیختن احساسات ضد آمریکایی در میان مردم گردید. در این هنگام، ترکیه آمریکا را به خاطر شروع دوباره خشونت های پ.ک.ک. مقصر می دانست و به همین خاطر احساسات ضد آمریکایی در میان افکار عمومی ترکیه تشدید شده بود. در سال ۲۰۰۸ در حدود ۷۰ درصد مردم و در سال ۲۰۱۳، ۵۰ درصد سؤال شوندگان آمریکا را به عنوان دشمن و تهدیدکننده اصلی امنیت ملی خود توصیف کردند (Taspinar & Toll, 2014). بررسی صورت گرفته در آوریل ۲۰۰۶ نشان می دهد که ۱۲ درصد ترک ها نسبت به آمریکا نظر مساعدی داشتند، در حالی که این رقم در رابطه با ایران ۵۳ درصد بود (Jenkins, 2012) نحوه برخورد غرب با پ.ک.ک. و قومیت کردی در شمال عراق نشان داد که غربی ها و به ویژه آمریکایی ها رخدادهای این منطقه را نه بر منافع ترکیه، بلکه بر مبنای منافع خود جهت دهی می کنند (شفیعی و نوحی، ۱۳۹۴) و ترکیه باید در اندیشه تثبیت روابط خود با ایران باشد. لذا ترکیه در مبارزه با پ.ک.ک. به دنبال کسب حمایت ایران برآمد (خبرگزاری فارس، ۱۳۹۴). رأی پارلمان ترکیه نطقه تحول اساسی در روابط آنکارا و تهران به شمار می رفت. جنگ ۲۰۰۳ باعث واگرایی ترکیه و آمریکا و هم گرایی ترکیه و ایران گردید. به طوری که هیچ رویدادی به اندازه حمله آمریکا به عراق بر روابط ترکیه و آمریکا تأثیر مخرب نداشته است (واعظی، ۱۳۸۷) تنش به وجود آمده به عدم تصویب قطع نامه سوم مارس در مجلس ترکیه بر می گردد. این قطع نامه به نیروهای آمریکایی اجازه می داد تا از شمال عراق و از طریق خاک ترکیه

وارد آن کشور شوند. این موضع ترکیه باعث تقویت وجهه اش در میان کشورهای خاورمیانه از جمله ایران گردید. ایران سعی کرد از ناراضیاتی ترکیه از آمریکا در رابطه با قومیت پ.ک.ک. بهره برداری لازم را برده و حداقل در برخی زمینه ها مانند مبارزه با جدایی طلبی کردی، ترکیه را از آمریکا جدا کرده و با خود همراه سازد. تنش در روابط آمریکا و ترکیه که ناشی از قومیت کردی بود زمینه نزدیکی ایران و ترکیه را فراهم نمود (McCurdy, 2008). برای نمونه، در سال ۲۰۰۶ در حالی که سفیر آمریکا در ترکیه اقدامات ترکیه در شمال عراق را غیرمنطقی می دانست، سفیر ایران در ترکیه از این اقدامات حمایت می کرد. هم چنین ایران نیز به دنبال همکاری با ترکیه است چون در رابطه آن با آمریکا که در عراق حضور دارد، مسائل جدی وجود دارد. ایران می خواهد با این اقدام خود، ترکیه را به عنوان شریک در کنار خود نگه داشته و از اتحاد آن با غرب و علیه خود جلوگیری کند.

۳-۲- شکل گیری پژاک و اتحاد ایران و ترکیه

پ.ک.ک. به طور رسمی خواهان جدایی مناطق کردنشین کشورهای ترکیه، عراق، ایران و سوریه و تشکیل کردستان بزرگ است. لذا، شاخه هایی در این کشورها به وجود آورده است. حزب اتحاد دموکراتیک (پ.ی.د.) شاخه سوریه و پژاک (حزب زندگی آزاد برای کردها) شاخه ایرانی پ.ک.ک. هستند. پژاک در می ۲۰۰۴ توسط گروهی از اعضای ایرانی پ.ک.ک. تأسیس شد (پورموسی، رهنما قره خانگل و میرزازاده کوهشاهی، ۱۳۸۹). این افراد متعهد شدند تا با استفاده از خشونت، حقوق اقلیت کرد ایران را تأمین کنند. گروه مسلح پژاک ضمن اعتراف به رابطه اش با پ.ک.ک.، عبدالله اوجالان زندانی را رهبر عالی و معنوی خود می داند. جمیل بایک از بنیان گذاران و رهبران پ.ک.ک.، در سال ۲۰۰۶ اعلام کرد: پ.ک.ک. پژاک را به وجود آورده و از آن حمایت می کند. کادر رهبری آن را همان مسئولان پ.ک.ک. تشکیل می دهند. از نظر مکانی نیز کمپ های اصلی آن در کوه های قندیل شمال عراق و در مجاورت کمپ های پ.ک.ک. قرار دارد. پژاک یک گروه ملی گرا و نظامی کردی است که مدعی است برای کسب دموکراسی و استقلال جامعه کرد ایران مبارزه می کند و مهم ترین حزب مخالف کردی در بین کردهای ایرانی است. از زمان تأسیس، به طور مداوم حملاتی را علیه نیروهای امنیتی و زیرساخت های اقتصادی ایران نظیر خطوط لوله گاز موجود در استان های کردستان و آذربایجان غربی انجام داده است. علائمی وجود دارند که نشان می دهند حزب بزرگ تر پ.ک.ک. از پژاک برای منزوی کردن ترکیه استفاده می کند و قصد دارد ترکیه را به سوی اتحاد با ایران سوق دهد تا به این طریق باعث تضعیف روابط ترکیه با جهان غرب و انزوای ترکیه گردد و در نهایت موضع ترکیه در برابر پ.ک.ک. تضعیف شود. فرمانده پیشین پژاک، مامند روزه در سال ۲۰۰۸ به روزنامه آمریکایی گفته بود پ.ک.ک. قصد برقراری رابطه با آمریکا را داشت و به همین خاطر پژاک را به وجود آورد تا بتواند توجه آمریکا را به سوی خود جلب کند (Los Angeles Times, 2008). خبرگزاری فرات نیو زکه متمایل به پ.ک.ک. است بعد از پنجمین کنگره پژاک نتیجه گیری کرده بود که ترکیه باید دست به انتخاب بزند: یا باید رابطه با ایران را انتخاب کند که در این صورت جهان غرب از جمله اسرائیل و آمریکا به صورت غیر مستقیم از پ.ک.ک. و پژاک حمایت خواهند کرد و احتمال حذف آن ها از لیست سازمان های تروریستی افزایش خواهد یافت؛ و اگر آمریکا را انتخاب کند، ایران را در مبارزه با پ.ک.ک. در کنار خود نخواهد داشت و در هر حال این به نفع پ.ک.ک. و پژاک خواهد بود (Wilgenburg, 2010). آمریکا و رژیم صهیونیستی کوشیده اند از پ.ک.ک. و پژاک به عنوان عاملی علیه ایران و ترکیه استفاده نمایند (چگنی زاده و آثار، ۱۳۸۸) گروهک پژاک یکی از ابزارهای آمریکا برای اعمال فشار به ایران محسوب می شود. حضور آمریکا در شمال عراق، امنیت ملی ایران را به طور منفی تحت تأثیر قرار داده است. پس از حمله ۲۰۰۳، آمریکا به حمایت از پژاک پرداخت و تنش و ناامنی در مناطق کردنشین ایران افزایش یافت (قربانی شیخ نشین و اکرم قدیمی، ۱۳۹۰) آمریکا در کنار کمک های اقتصادی، دارویی و غذایی، با سلاح های روسی به تجهیز پژاک می پردازد (پورموسی، رهنما قره خانگل و میرزا زاده کوه شاهی، ۱۳۸۹) جغرافیا و ژئوموفولوژی پیچیده شمال غرب شرایط لازم برای جنگ چریکی را برای گروه های تروریستی نظیر پژاک فراهم نموده است (مقصودی، ۱۳۸۰) پژاک در درگیری هایش با نیروهای امنیتی ایران از سلاح های سبک و تاکتیک پارتیزانی استفاده می کند. پس از انجام حملات، نیروهای پژاک به سرعت از مرز خارج شده و وارد ترکیه و یا کردستان عراق می شود (پورموسی، رهنما قره خانگل و میرزازاده کوه شاهی، ۱۳۸۹) لذا، کنترل

مرزهای ایران و ترکیه و همکاری های اطلاعاتی دو کشور در این زمینه اهمیت به سزایی برای هر دو طرف دارد. ایران از ناحیه گروه های تروریستی کرد به واسطه تشکیل پژاک احساس تهدید نموده و بنابراین به همکاری و همراهی با ترکیه در مبارزه با گروه های تجزیه-طلب کرد و تأمین امنیت و کنترل مناطق مرزی روی آورد (Davut Han, 2015) در سال ۲۰۰۴ ایران و ترکیه توافق نامه همکاری امنیتی به امضا رساندند (Ahmadi & Ghorbani, 2014).

۳-۳- همکاری های اطلاعاتی و امنیتی ایران و ترکیه

سیاست خاورمیانه ای ترکیه در طول دهه های گذشته متأثر از قومیت کردی بوده است (Taspinar & Toll, 2014) از دید آنکارا با حل قومیت کردی مانع عمده در برابر آرزوی ترکیه برای قدرت منطقه ای بودن برطرف خواهد شد. نبرد ترکیه با تروریسم سابقه طولانی نسبت به ایران دارد. به دلیل حضور نظامی آمریکا در عراق و دیدگاه های متفاوت آمریکا و ترکیه در مورد آینده کردستان عراق، ترکیه به دنبال یک

شریک استراتژیک در منطقه برای پرکردن خلأ امنیتی آمریکا در قومیت کردها بود (شفیعی و نوحی، ۱۳۹۴) امروزه شاهد همکاری های امنیتی دو کشور هستیم و هر دو کشور با قومیت خودمختاری فزاینده و استقلال مناطق کردنشین شمال عراق مخالفت می کنند و آن را عامل بی ثباتی در داخل مرزهای خود می دانند. با شکل گیری پژاک، ترکیه ایران را به عنوان متحد در کنار خود در مبارزه با تروریست ها مشاهده کرد. روابط دو کشور نه تنها در زمینه های امنیتی، بلکه در حوزه هایی هم چون سیاسی و اقتصادی افزایش خوبی یافته است و شاخصه های این بهبود به راحتی قابل مشاهده است. بیش از یک دهه است که دو کشور نشست های امنیتی متعددی را برگزار کرده اند و در این نشست ها همکاری های امنیتی دو طرف در رابطه با مبارزه با فعالیت های تروریستی و تأمین امنیت مرزی مورد بحث قرار گرفته است. نشست های امنیت مرزی ایران-ترکیه و کمیسیون عالی امنیتی ایران-ترکیه از جمله چارچوب هایی هستند که همکاری های امنیتی ایران و ترکیه در آن ها صورت می گیرند. کمیسیون عالی امنیتی در سطح معاونان وزارت کشور برگزار می شود. کمیسیون امنیت عالی ایران-ترکیه در سال ۱۹۸۸ تأسیس شد و تحت عنوان توافق نامه همکاری های امنیتی در سال ۱۹۹۲ به تصویب رسید. با قدرت-یابی حزب اسلام گرای عدالت و توسعه در ترکیه در سال ۲۰۰۲ و ظهور پژاک در سال ۲۰۰۴ شاهد تغییرات اساسی در فعالیت این کمیسیون و همکاری های امنیتی دو کشور بوده ایم (Elik, 2012). به عنوان نمونه، پس از سفر طیب اردوغان به ایران

و امضای توافق نامه همکاری در سال ۲۰۰۴، ایران پ.ک.ک را به طور رسمی در لیست سازمان های تروریستی قرار داد و ۲۲ نفر از شبه نظامیان پ.ک.ک را تحویل ترکیه داد (Elik, 2012). همزمان پژاک نیز حملات چریکی خود علیه نیروهای نظامی ایران را در سال ۲۰۰۶ تشدید نمود. مقامات ایرانی و ترک در فوریه ۲۰۰۶ برای شرکت در دور یازدهم کمیسیون امنیت عالی در تهران گرد هم آمدند تا اقدامات فعالی علیه پ.ک.ک. و پژاک انجام دهند. در آوریل ۲۰۰۸ دوازدهمین جلسه کمیسیون عالی امنیتی ایران و ترکیه در آنکارا برای بررسی راه های مبارزه مشترک با تروریسم برگزار شد. معاون امنیتی-انتظامی وزیر کشور، عباس محتاج، پیش از عزیمت به ترکیه برای مشارکت در این نشست در پاسخ به سؤالی درباره نظر ایران راجع به گروه پ.ک.ک. گفت: "از نظر ما گروه پژاک و پ.ک.ک.، یک گروه با دو نام در یک کشور هستند و ما آن ها را یک گروه تروریستی می دانیم" (خبرگزاری مهر، ۱۳۸۷). هرچند در این نشست مسائلی نظیر جرایم سازمان یافته و قاچاق نیز مورد توافق قرار گرفتند، ولی تأکید اصلی آن بر مبارزه علیه پ.ک.ک. و پژاک بود. بر این اساس، دیگر موارد توافق نامه امضا شده عبارت اند از:

الف) افزایش فعالیت های تروریستی در منطقه بر منافع هر دو کشور ضرر می رساند.

ب) برای تداوم و تعمیق همکاری های امنیتی در تمام زمینه ها، یاری رساندن و اقدامات دو جانبه مورد نیازند.

ج) بهترین راه مبارزه با این قومیت در کنار همکاری های امنیتی، تبادل اطلاعاتی است.

د) در این نشست هم چنین در رابطه با تشکیل سیزدهمین کمیسیون عالی امنیتی در تهران تصمیم گیری شد (hurriyet, 2008).

نشست های امنیتی مرزی دو کشور نیز معمولاً در بازه های زمانی شش ماهه در یکی از شهرهای مرزی نظیر ارومیه و یا وان برگزار می شوند و در آن مسئولین شهرهای مرزی و مقامات نظامی دو کشور حضور می یابند تا تأمین امنیت در مناطق مرزی مشترک را مورد بررسی قرار دهند. در اسفندماه ۱۳۹۳ نشست امنیت مرزی ایران و ترکیه در شهر مرزی وان ترکیه برگزار شد. این نشست پس از دو روز با امضای یادداشتی پایان یافت. در این یادداشت، با اشاره به بررسی تحولات امنیتی شش ماه گذشته در مناطق مرزی دو کشور، به توافقات انجام شده در جهت افزایش همکاری های مرزبانان دو کشور در تأمین هر چه بهتر امنیت مرزی ایران و ترکیه نیز اشاره شده است. در این نشست، تدابیر لازم برای افزایش امنیت در مرزهای دوکشور، جلوگیری از عبورهای غیر مجاز و قاچاق و مبارزه با انتقال مواد مخدر از جمله مواردی بودند که مورد توافق قرار گرفتند (خبرگزاری ایرنا، ۱۳۹۳). آخرین نشست کمیسیون امنیت مرزی دو کشور نیز در اواخر اسفندماه ۱۳۹۵ در محل استانداری دوغو بایزید ۲۲ ترکیه برگزار شد. در این نشست نیز هم چون نشست های قبلی قومیت تأمین امنیت و کنترل مرزهای دو کشور مورد بررسی قرار گرفت و بر تداوم اجرای تدابیر امنیتی اتخاذشده در مرزها تأکید شد (خبرگزاری ایرنا، ۱۳۹۵).

همکاری در زمینه مبارزه با گروه های تروریستی نظیر پ.ک.ک. و پژاک نه تنها زمینه ساز همکاری در دیگر بخش ها بوده، بلکه یکی از دلایل شکل گیری شورای روابط استراتژیک دو کشور نیز هست. نخستین اجلاس شورای روابط استراتژیک دو کشور در خرداد سال ۱۳۹۳ با حضور رؤسای جمهور و دیگر مقامات بلندپایه دو کشور در کاخ نخست وزیری ترکیه برگزار شد. در نشست مطبوعاتی مشترک رؤسای جمهور دو کشور، روحانی اعلام کرد که ایران و ترکیه آماده همکاری در زمینه مبارزه با تروریسم هستند، زیرا همکاری دو کشور در مبارزه با تروریسم و خشونت مؤثر است. پس از برگزاری این نشست، دو طرف بیانیه مشترکی منتشر نمودند. در این بیانیه، همکاری های امنیتی و اقتصادی دو کشور داری جایگاه خاصی هستند. در رابطه با مسائل و همکاری های امنیتی در این بیانیه آمده است:

- ۱- دو طرف بر تعهدات خود برای تقویت همکاری یها جهت مبارزه با تروریسم در همه اشکال و ظواهر، جرایم سازمان یافته فراقشوری و قاچاق سلاح و مواد مخدر و هم چنین قاچاق انسان و مهاجرت غیرقانونی تأکید نمودند؛
- ۲- دو طرف افراط گرایی و خشونت در کلیه اشکال و ظواهر آن، هرگونه فرقه گرایی و اعمال خشونت در مناقشات منطق های را یکی از جدی ترین تهدیدات برای صلح و امنیت عنوان نمودند... " (پایگاه اطلاع رسانی ریاست جمهوری، ۱۳۹۳).

در ژوئن سال ۲۰۰۸ فرمانده نیروی زمینی ترکیه، ایلکر باش بوغ ۲۳ تأیید کرد که ایران و ترکیه در زمینه تبادل اطلاعات و هماهنگی عملیات نظامی علیه پ.ک.ک. و پژاک همکاری می کنند. وی ادعا کرد که آن ها اطلاعات را شنود و مبادله می کنند و نیروهای نظامی دو کشور همدیگر را از محل حضور و حرکت شبه نظامیان کرد مطلع می کنند (Ihlas Haber Ajansi, 2008) ایران در مقابل اقدامات پژاک، پایگاه های

پژاک و پ.ک.ک. را در کوه های قندیل شمال عراق که در مجاورت مرزهای ایران و ترکیه قرار دارد، همزمان بمباران می کند (Davut Han, 2015) آمار تلفات و جزئیات و ماهیت دقیق عملیات مشترک ایران و ترکیه مشخص نبود، ولی تأثیر آن در افکار عمومی ترکیه مشخص بود. افکار عمومی ترکیه، ایران را حامی ترکیه در مبارزه با تروریسم می دید و به آمریکا و اروپا با دیده دشمن می نگریست. بررسی افکار عمومی در فاصله زمانی ۲۰۰۶ تا ۲۰۰۷ نشان می دهد که ترک ها آمریکا را بزرگ ترین تهدید خود می دانستند، ولی نسبت به ایران دیدی مثبت داشتند. لذا سیاست خارجی حزب عدالت توسعه در همکاری با ایران هم راستا با افکار عمومی ترکیه بود.

۳-۴- تفاوت در مواضع ایران و ترکیه در قبال قومیت کردی

تشدید فعالیت های مسلحانه برخی از گروه های تروریستی نظیر پ.ک.ک. و پژاک و پویش های جدید منطقه ای، همکاری های و موضع گیری های مشترک دو قدرت منطقه ای، یعنی ایران و ترکیه را در برداشته است. برای نمونه، روحانی در سفر خود به ترکیه در سال ۱۳۹۵ و در کنفرانس مطبوعاتی مشترک با اردوغان، ضمن تأکید بر مواضع مشترک آن ها در مبارزه با تروریسم گفت: «مرزهای جغرافیایی کشورها باید ثابت باقی بماند. تجزیه هیچ کشوری را نمی پذیریم. ما بر ثبات تمام کشورها

تأکید می‌کنیم « (خبرگزاری کرد پرس، ۱۳۹۵). علی‌رغم این اشتراکات، تفاوت‌هایی در مواضع تهران و آنکارا در رابطه با قومیت کردی وجود دارد. در مقایسه با ترکیه، کردهای ایران درصد کمتری از جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند و از طرف دیگر، برخلاف سایر کشورهای منطقه، کردهای ایران از آزادی فرهنگی نسبی برخوردار هستند (Asisian, 2010). آن‌ها نه تنها از اقوام ایران کهن هستند، بلکه زبان کردی و فارسی هم ریشه بوده و شباهت‌های زیادی به همدیگر دارند. لذا، کردها تمایل شدیدی برای استقلال از ایران ندارند و گروه‌های جدایی‌طلب کرد نیز فاقد پایگاه اجتماعی لازم هستند. داده‌های مربوط به میزان مشارکت در انتخابات مجلس ایران در سال ۱۳۹۴ را می‌توان به عنوان معیاری برای نبود پشتمانی مردمی از جنبش‌های جدایی‌طلبانه کرد به کار برد. میزان مشارکت در کرمانشاه و کردستان، یعنی استان‌هایی که اکثریت جمعیت‌شان کرد هستند، به ترتیب ۶۰ و ۵۳ درصد بود، که هردو از تهران بیشتر بود. هر چند ایران نیز نگران پیدایش یک کشور کرد در منطقه خاورمیانه است، ولی با توجه به واقعیات مذکور و درآمیختگی کردهای ایران با دیگر اقوام ایرانی، برداشت‌های تهدیدآمیز ایران از جنبش‌های جدایی‌طلب کردی کمتر از ترکیه است. بنابراین، ایران با این که در مخالفت با پیدایش یک کشور کرد با ترکیه هم عقیده است، ولی از نظر چگونگی برخورد با کردها، با ترکیه اختلاف اساسی دارد (International Crisis Group, 2016). متأثر از عمق قومیت‌کردی، حساسیت و عکس‌العمل ترکیه در برخورد با قومیت کردی شدیدتر از ایران است. نوع برخورد وزارت خارجه دو کشور با بیانیه برگزاری رفرندام توسط اقلیم کردستان در سال ۲۰۱۷ گواه این موضوع است. بهرام قاسمی، سخنگوی وزارت امور خارجه ایران در واکنش به تصمیم یک جانبه اقلیم کردستان عراق مبنی بر برگزاری رفراندوم استقلال اظهار داشت: «عراق یک پارچه، باثبات و دموکراتیک، ضامن منافع همه مردم این کشور از تمام اقوام و مذاهب آن خواهد بود. امروز عراق بیش از هر زمان دیگری نیازمند آرامش و وفاق ملی است» (خبرگزاری مهر، ۱۳۹۶) در حالی که وزارت خارجه ترکیه برگزاری رفراندوم را خطایی هولناک نامید و حفظ تمامیت ارضی و وحدت سیاسی عراق را پایه اساسی سیاست خارجی ترکیه در قبال عراق دانست (Anadolu Ajansi, 2017).

قومیت‌کردی و مبارزه با گروه‌های کردی جدایی‌طلب در استراتژی سیاست خارجی منطقه‌ای تهران در اولویت‌های پایین‌تری قرار دارد، در حالی که سیاست خارجی آنکارا در رابطه با منطقه خاورمیانه و به خصوص همسایگان آن متأثر از قومیت‌کردی در این کشور و رفع تهدیدات امنیتی برخاسته از آن است. برای نمونه، هر چند ایران و ترکیه نگران تمامیت ارضی سوریه هستند و هم چون عراق خواهان حفظ سوریه واحد هستند، ولی اولویت‌های آن‌ها با یکدیگر دارای تفاوت اساسی است. اولویت نخست ترکیه در سوریه جلوگیری از خودمختاری گروه‌های کرد وابسته به پ.ک.ک. است، ولی اولویت نخست ایران در سوریه را نه کردها، بلکه حفظ جهت‌گیری ژئواستراتژیک سوریه به عنوان بخشی از محور مقاومت تشکیل می‌دهد و مبارزه با جنبش جدایی‌طلب کرد در شمال سوریه، در مراحل بعدی اهمیت تهران قرار دارد.

۳-۵- اختلاف دو کشور در برخی مواضع سیاسی

الف) برخلاف روابط تنش‌آلود ایران و آمریکا، ترکیه در دوران جنگ سرد و پس از آن همواره در کنار آمریکا بوده است (Afzali and Hosseini, 2009) در سال ۲۰۰۳ در دیدگاه‌های دو کشور، به ویژه در مورد منطقه شمال عراق شکاف بیشتر شد. داوود اوغلو همکاری ترکیه و آمریکا را مصلحتی خوانده که نوع ویژگی‌های از روابط راهبردی است. اهمیت ژئوپلیتیکی ترکیه در غرب آسیا و در اتصال با اروپا، آن را به یک سرمایه امنیتی برای آمریکا تبدیل کرده است. پایگاه اینجریلیک ترکیه، بزرگترین پایگاه نظامی آمریکا در منطقه و در همان حال این کشور مرکز استراق سمع آمریکا در منطقه است. ترکیه توانست با حمایت کامل آمریکا به مسیر اصلی انتقال انرژی از دریای خزر به سوی اروپا تبدیل شود. رویارویی سیاسی این کشور با روسیه در تنگه‌های بسفر و داردانل در نیمه دهه ۱۹۹۰ و پافشاری ترکیه بر محدود کردن انتقال نفت از این مسیر، اثربخش بود. آینده روابط ایران و آمریکا، روابط آن با ترکیه را نیز تحت تأثیر قرار خواهد داد. ترکیه مانند بسیاری از کشورهای دیگر از تحولات روابط ایران و آمریکا، در دهه‌های اخیر بسیار بهره‌برده است. ترکیه با افزایش و گسترش روابط خود با ایران، کوشیده برای ملاحظه دغدغه‌های امنیتی خود بر آمریکا فشار بیاورد. در صورت تضمین ثبات و حفظ تمامیت ارضی عراق و فشار آمریکا بر پکک، جنبه رقابتی ترکیه برای ایران، می‌تواند بسیار بیش از همکاری آن باشد.

استراتژی سیاست خارجی ترکیه ورود به اتحادیه اروپا است. بنابراین، نگاه نخبگان ترکیه با نگاه منفی و بدبینانه مقامهای ایرانی به تمدن غرب متفاوت است. ترکیه میکوشد دستاوردهای تمدن اروپا را به خاورمیانه انتقال دهد و در میان کشورهای منطقه، مناسبترین شرایط را برای اجرای ارزشهای غربی و تحقق دموکراسی ارائه کند. انجام اقدامهای اصلاحی به ویژه در مورد حقوق کردها، میتواند امیدواری به عضویت اتحادیه اروپا را بیشتر کند (Aras & Polat, 2008). سرمایهگذاریهایی زیربنایی ترکیه از طریق اتحادیه اروپا انجام میشود. حتی رشد صنعت گردشگری ترکیه مدیون رابطه با غرب است. بنابراین ترکیه با اعمال سیاستهای اتحادیه اروپا در چارچوب نظام سرمایه‌داری غرب و در قالب اتحادیه و ناتو و میتواند برای ایران چالشهایی ایجاد کند.

ب) در مورد روابط ترکیه با اسرائیل، با وجود برخی چالشها میان این دو کشور، به نظر نمیرسد ترکیه روابط خود را با اسرائیل قطع کند. ترکیه هم به لابی اسرائیل در آمریکا و اتحادیه اروپا نیاز جدی دارد و هم بدون مذاکره با اسرائیل مسائل سرزمینی و امنیتی آن حل نشدنی است. با این حال تحت تأثیر انتخابات آینده و افکار عمومی ضد اسرائیلی داخل ترکیه و نیز بدهای مربوط به آینده کردها، چالشهای میان دو کشور باقی میماند. توافقی استراتژیک دهه ۱۹۹۰ میان دو کشور، حتی مورد پذیرش اربکان اسلامگرا هم قرار گرفته بود. بسیاری در ترکیه، اسرائیل را کشوری غربگرا و مانند خود قربانی تروریسم میدانند که دشمنی مشترک به نام اسلام افراطی آنها را تهدید میکند. اردوغان، در مه ۲۰۰۵، در سفر به اسرائیل بر همکاریهای نظامی، تسلیحاتی و اطلاعاتی تأکید کرد و اینکه اگر مداخلات آمریکا نبود، ترکیه میتواند صلح اسرائیل با کشورهای منطقه را به نتیجه برساند. نظامیان ترکیه هنوز هم بهدلیل دستگیری عبدالله اوجالان رهبر پ ک ک، خود را مدیون اسرائیل میدانند و بر این باورند که دو کشور در مسائل آسیای مرکزی و قفقاز باید در برابر ایران، با هم همکاری کنند. ترکیه برای ارتقاء توان نظامی خود به اسرائیل نیازمند است و تلاش میکند روابط خود را با اسرائیل حفظ کند، ولی در همان حال در پی ایجاد روابط حسنه با کشورهای مسلمان منطقه نیز میباشد.

پ) از نظر تاریخی ترکیه و ایران نفوذ پایداری در آسیای مرکزی و قفقاز داشته‌اند. این مناطق گذشته از رقابتهای آمریکا و روسیه، عرصه رقابت ترکیه و ایران نیز بوده است (Koolae, 2009). ملاحظات ترکیه در مسائل جمهوری آذربایجان و نگرانی ایران از حضور اروپا و آمریکا، به ویژه ناتو در قفقاز جنوبی، سبب تشدید رقابت دو کشور شده است. ترکیه گسترش پانترکیسم در آسیای مرکزی و قفقاز را دنبال کرده و روابط گسترده اقتصادی و سیاسی با این کشورها داشته است. همین شرایط جمهوری اسلامی ایران را نیز به تحرک در این منطقه واداشته است. ایران همواره نسبت به نزدیکی ترکیه و موقعیت آن در این منطقه حساس بوده است.

ت) میتوان گفت عوامل نزدیکی ایران و ترکیه، بهگونهای و در شرایط خاص، میتوانند سبب تشدید اختلافهای دو کشور نیز باشند. از جمله در لبنان، سوریه و عراق، ایران حضور بیشتری دارد. با تلاش ترکیه برای نفوذ در این کشورها، ممکن است در آینده آنها هم عرصه رقابت دو کشور شوند. در اواخر سال ۲۰۱۰ وزیر امور خارجه ترکیه به کردستان عراق سفر کرد. دو روز پس از آن بارزانی رئیس اقلیم کردستان به تهران سفر کرد. در همان هنگام وزیر خزانه‌داری آمریکا به ترکیه برای خودداری از معامله با ایران هشدار داد. سپس عبدالله گل رییس جمهوری وقت ترکیه اعلام کرد ایران اتمی را نمیپذیرد. این رویکرد پیام معنیداری برای ایران داشت که روابط حسنه دو کشور، ضمانتی برای آینده نیست.

ترکیه در سالهای اخیر به‌منظور پیگیری استراتژی افزایش نفوذ سیاسی و اقتصادی‌اش در داخل ایران از طریق ایجاد وابستگی متقابل نامتقارن به عنوان نوعی اعمال قدرت تلاش نموده است نفوذ خود در ایران را افزایش دهد. به‌طوریکه توانمندیهای داخلی ایران در خدمت منافع ترکیه باشد و ایران به طور مستقیم نتواند با جهان تعامل داشته باشد. از طرفی تحولات اخیر جهان عرب فرصت مناسبی برای قدرتهای منطقه‌ای مانند ایران، عربستان سعودی و ترکیه فراهم نمود تا خلأ قدرت به‌وجود آمده در منطقه را پر نموده و جایگاه خود در سلسله مراتب قدرت منطقه‌ای و بین‌المللی ارتقا دهند (Mousavi & Others, 2016). موضوع سپر دفاع موشکی نیز سیاست خارجی ترکیه در مورد ایران را با چالش مواجه ساخت. این موضوع در خود ترکیه نیز مشکلات بسیاری ایجاد کرده است. طرح موضوع سپر دفاع موشکی میتواند واکنش به مواضع ضداسرائیلی ترکیه و دور کردن مواضع آن از ایران باشد. از آنجا که این سپر دفاعی مورد توافق ناتو و ایالات متحده و نیز اتحادیه اروپاست، ترکیه فشارهای زیادی

را پذیرا شد. اردوغان اعلام کرده که اگر توجیه استقرار سپر دفاع باشد، آن را مستقر نخواهد کرد. «ایران» ضد موشکی در مجموع، آنکارا کوشید برای ثبات منطقه، نوعی موازنه در برابر ایالات متحده ایجاد کند. ترکیه حمایت از ایران را در برابر حمایت آمریکا از کردهای عراق دنبال کرد. با توجه به اینکه، در صورت برخورد نظامی، امنیت ترکیه بیش از امنیت هر کشور دیگری به خطر میافتد، این کشور به شدت از هر جنگ دیگری در منطقه پرهیز میکند، در عین حال که دارای روابط مهم اقتصادی با ایران نیز می‌باشد.

۳-۶- همکاری ترکیه و ایران برای جلوگیری از پیدایی یک کشور گُرد

با اینکه ایران و ترکیه با حمایت آمریکا و اروپا در پشتیبانی از منطقه خودمختار در شمال عراق موافقت کرده بودند، هر دو کشور در این موضوع اتفاق نظر داشتند که به سود آنها نیست که یک کشور مستقل گُرد در این منطقه ایجاد شود. پیش از سقوط صدام حسین، ایران و ترکیه در برخورد با قومیت کردها، با وجود برخی اختلاف نظرها، برای هماهنگ سازی سیاستهای خود تلاش میکردند (Hale, 2007). از سال ۱۹۹۳ ترکیه، ایرانیها و نیز سوریها که نمیخواستند یک کشور گُرد در شمال عراق تشکیل شود، برای جلوگیری از چنین رخدادی، موافقتنامه هایی را امضا کردند. برای ایران جلب سوریه به پیوستن به این قراردادهای امنیتی ساده بود، زیرا از دهه ۱۹۹۰ قراردادهایی در زمینه های مختلف با آن امضا کرده بود. با وجود اختلاف نظرهای مهمی که در میان ترکیه و سوریه در مورد جنبه های مختلف مسائل گُردها و توزیع و تقسیم آب فرات وجود داشت، دو کشور برای جلوگیری از پیدایش یک کشور گُرد در شمال عراق دست همکاری به هم دادند (Lundgren, 2007). هر سه کشور بر این باور بودند که این هدفی است که ایالات متحد آمریکا و اروپا در پی آن هستند (Olsen, 2005). برخی از موافقتنامه های ترکیه و ایران برای جلوگیری از پیدایش یک کشور گُرد در نشستهای امنیتی در دوره سلیمان دمیرل و هاشمی رفسنجانی شکل گرفته بود. این موافقتنامه ها تا سال ۱۹۹۵ از چند جنبه مهم بودند: تهدید ملیگرایی گُردی برای هر دو، به ویژه پکک برای ترکیه اهمیت داشت. رهبران ترکیه هم ریشه های جدایی طلبی کردی و هم بنیادگرایی اسلامی را به عوامل و منابع خارجی نسبت می - دادند (Aras & Polat, 2008). ایران و ترکیه بیش از آنچه غرب می پنداشت، درباره سیاست های آتی خود در قفقاز، به ویژه در پیوند با جمهوری آذربایجان و ارمنستان و مشکل ناگورنو قرهباغ و نیز حضور روزافزون روسیه در منطقه، حاضر به همکاری بودند. امضای موافقتنامه ها از این حکایت میکرد که دو کشور آماده هستند در سیاستهای گُردی در شمال عراق هماهنگی داشته باشند. این موضوع علیه منافع هر دو کشور برآورد شده بود و در دسره های ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی برای هر دو کشور ایجاد میکرد، ولی همچنان تضادها بر نگرانیها دامن میزد. نیروهای ۵ هزار نفری آیت الله حکیم در کردستان عراق موجب نگرانی ترکیه بود. کشورهای منطقه از ایران تا سوریه و ترکیه با شکلگیری اقلیم کردستان در سوریه مخالف هستند. در این حال کشوری که بیشترین آسیب را از این موضوع میبند ترکیه است. چرا که کردهایی که در منطقه حسکه و قامشلی استقرار پیدا کرده اند، هوادار و یا عضو پکک هستند و با ترکیه دشمنی دارند. یعنی اکنون نیز مرزی در حدود ۴۰۰ کیلومتر در اختیار کردهای سوریه است. آنان میتوانند تهدیدی برای امنیت ملی ترکیه در آینده باشند. هرچند ایران و ترکیه تشکیل حکومت خودمختار کردی را در عراق پذیرفتند، ولی هیچیک آن را آغازی برای تشکیل دولت مستقل و یکپارچه کردی برآورد نکردند (Lenore and Keridis, 2004).

۴- نتیجه گیری

ملاحظات ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی ایران و ترکیه از دهه ۱۹۹۰ به بعد، آشکارا با نیازهای اقتصادی دو کشور پیوند یافته است. این نیازها همکاری دو کشور را معطوف به توجه به واقعیت های ژئوپلیتیک نموده است. هیچ یک از این دو کشور با نفوذ بر جنبش کردی در کشور دیگر، مشروعیت و ساختار نظام حکومتی دیگری را تهدید نکرده است. از طرفی رقابت های دو کشور در کردستان عراق و سعی در تاثیرگذاری بر تحولات مناطق کردنشین سوریه پس از بحران سوریه، حملات داعش علیه کوبانی، روابط دو کشور را به سوی تنش پیش برد. مساله کردها و ملی گرایی کردی، به ویژه در کردستان عراق و مناطق کردنشین سوریه، موجب واگرایی در روابط ایران و ترکیه شده است.

پژوهش حاضر به منظور بررسی نقش جنبش کردی در روابط ایران و ترکیه در دوره حزب عدالت و توسعه صورت گرفت. نفوذ حزب عدالت و توسعه به تدریج در حال گسترش از پیرامون به سمت مراکز شهری است. با وجود این، مناطق فقیر و کمتر توسعه یافته شهرها، بیشترین نقش را در حمایت از حزب عدالت و توسعه داشته اند. شبکه های اجتماعی وسیع و ماشین حزبی کارآمد با پیوندهای نزدیک که با حوزه های انتخاباتی محلی دارند، این امکان را فراهم ساخته است تا حزب حمایت جدی در میان حاشیه نشینان و فقیران، که بسیاری از آنها مذهبی و به لحاظ اجتماعی محافظه کار هستند و سهم رو به رشدی از جمعیت شهری ترکیه را تشکیل می دهند، به دست آورد. سیاست های اقتصادی بازار آزاد حزب همچنین خوشایند بسیاری از بازرگانان سکولار در شهرهای بزرگ بود که به خاطر حمایت حزب عدالت و توسعه از عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا به حزب متمایل شده بودند. به نظر می رسد حزب عدالت و توسعه توانسته با مدیریت هوشمندانه شکاف های اجتماعی این کشور ضمن تثبیت جایگاه سیاسی خود و جلب آرای طبقه حاشیه نشین در انتخابات محلی ۲۰۱۶ و همچنین انتخابات سراسری ۲۰۱۵ و به گسترش پایگاه اجتماعی اش فراسوی شکاف مزبور بپردازد. به بیان دیگر، هر چند طبقه اصلی حامی حزب را طبقات پایین شهری و روستایی تشکیل می دهند اما کسب آرای قابل توجه در مناطق توسعه یافته غرب ترکیه نشانگر حرکت حزب عدالت و توسعه در پر کردن شکاف اقتصادی جغرافیایی این کشور است. در شکاف قومی، حزب عدالت و توسعه، حزب نخست مناطق کردنشین ترکیه می باشد. به بیان دیگر، حزب توانسته بیش از احزاب کردی، اعتماد و رضایت شهروندان را کسب کند. در خصوص شکاف علوی نیز باید گفت که دولت حزب عدالت و توسعه نیازمند گامهای ملموس و جدی تری برای کسب آرای علویان این کشور است. هر چند در مناطقی که بطور سنتی علوی نشین هستند به پیروزی های قاطعانه ای رسیده است، اما بخش اعظم علویان ترکیه در خارج از قلمرو سنتی شان و در غرب ترکیه و در شهرهای بزرگی چون استانبول و آنکارا و حتی خارج از ترکیه در اروپا و بویژه آلمان ساکن هستند که بایستی مدنظر قرار گیرند. بر اساس یافته های پژوهش، همکاری و اتحاد گروه های جدایی طلب یعنی پ.ک.ک. و پژاک از یک طرف و شکل گیری دولت نیمه مستقل کُرد در شمال عراق و در مجاورت مرزهای ایران و ترکیه از طرف دیگر، آنکارا و تهران را به اتحاد و همکاری در مبارزه با گروه های جدایی طلب سوق داده است. ایجاد خلأ قدرت در شمال عراق و شکل گیری حکومت اقلیم کردستان عراق نه تنها باعث تقویت هویت کردی در منطقه شده است، بلکه به دلیل کاهش جدی اقتدار حکومت مرکزی عراق زمینه فعالیت گروه های کُرد مخالف ایران و ترکیه نظیر پژاک و پ.ک.ک. را نیز فراهم کرده است. این قومیت بر نگرانی های امنیتی آنکارا و تهران از پویش های منطقه ای دامن زده است. این پویش ها باعث تقویت ملی گرایی کردی در سال های اخیر شده اند. حملات آمریکا به عراق در سال های ۱۹۹۱ و ۲۰۰۳، خیزش های عربی و به دنبال آن ظهور مناطق خودمختار کرد در شمال سوریه از جمله تحولات منطقه ای در طول دو دهه اخیر بودند که به تقویت خودآگاهی کردی کمک زیادی کردند. در سال های اخیر، ناسیونالیسم کردی به بهای کاهش اهمیت قبیله گرایی و وابستگی های حزبی، موفقیت های سیاسی قابل توجهی کسب کرده است و به جنبش توده ای در کل کردستان تبدیل شده است و مرزهای بین المللی و تفاوت های منطقه ای را در هم نوردیده است. امروزه، شکوفایی جنبش ملی گرای کرد و موج جدید تلاش های قوم گرایانه کردها در منطقه خاورمیانه می تواند مرزهای بین المللی را در منطقه تغییر داده و پایانی بر توافق نامه سایکس-پیکو باشد که بر اساس آن، مرزهای امروزی خاورمیانه ترسیم شده است. چشم انداز ترسیم دوباره مرزها در خاورمیانه، نقطه عطفی در پیدایش نظم منطقه ای جدید خواهد بود. پیدایش بحران سوریه و رویکردهای متفاوت آنکارا و تهران در قبال آن به نظر می رسد بر همکاری دو کشور در قومیت کردی تاثیر منفی گذاشته است. یافته های تحقیق بر نقش قومیت کردی در سیاست خارجی آنکارا و تهران تأکید دارد. کشورهای در حال توسعه با تهدیدات دو لایه ای ناشی از فقدان انسجام درونی و تهدیدات بیرونی مواجه هستند. در این بین، ایران و ترکیه به عنوان دو قدرت برتر منطقه ای دارای استقلال عمل از نظام بین الملل هستند و رفتارها و جهت گیری سیاست خارجی آن ها در عرصه منطقه ای بیش تر ناشی از اقتضائات و پویش های درون منطقه ای است. آن ها عموماً بر اساس وجود تهدیدات داخلی و خارجی و به خصوص پیوند این دو سطح از تهدید، تصمیم به اتحاد با همدیگر گرفته اند.

منابع

۱. برزگر، کیهان، انقلاب های عربی و واقع گرایی در روابط ایران و ترکیه، پژوهشکده مطالعات استراتژیک خاورمیانه، ۲۳ اسفند ماه، ۱۳۹۰.
۲. دانش نیا فرها. هاشمی مسعود. ۱۳۹۴. تحولات سیاست خارجی ترکیه در قبال سوریه و تبیین مؤلفه های تأثیرگذار بر آن (۲۰۱۴-۲۰۰۲). فصلنامه رهیافت های سیاسی و بین المللی / سال ششم، شماره ۳۹.
۳. قمری، داریوش، ۱۳۸۳، بررسی ساختار قدرت دولت مدرن بر یکپارچگی ملی در ایران، رساله دکتری علوم سیاسی، تهران، دانشگاه تربیت مدرس، ص ۳.
۴. کتابی محمود، دهقان یداله، حیدری سولماز. ۱۳۹۲. بررسی روابط سیاسی- اقتصادی کردستان عراق با ترکیه و تاثیر آن بر سیاست خارجی ایران. تحقیقات سیاسی و بین المللی، دوره ۵، شماره ۱۷، ۱-۳۳.
۵. مجتهدزاده، پیروز؛ عسکری، سهراب؛ جغرافیایی سیاسی و ژئوپلیتیک، تهران، دانشگاه پیام نور، ۱۳۸۴.
۶. قربانی دازمیری، سیداحمد و محسن قربانی، ۱۳۹۴، سیاست خارجی ایران و ترکیه در قبال تحولات سوریه و پیامدهای منطقه ای آن، دومین کنفرانس ملی توسعه پایدار در علوم تربیتی و روانشناسی، مطالعات اجتماعی و فرهنگی، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی سروش حکمت مرتضوی، موسسه آموزش عالی مهر اروند، مرکز راهکارهای دستیابی به توسعه پایدار.
7. Afzali, Rasool and Hosseini, Majid (2008), "The Study of Turkey Geopolitical Development and Its Effect on Iran", International Quarterly of Geopolitics, Vol.4, No.1, 151-176[in Persian].
8. Ahmadi, Hamid; Ghorbani, Fahimeh. (2014). "The Impact of Syrian Crisis on Iran-Turkey Relations", Iranian Review of Foreign Affairs, Vol. 4, No. 1, 59-87.
9. Aras. Bulent & Biakarabayad Plot. Turkey & Middle East, Frontiers of The Neo Geographic Imagination, Australian Journal of International Relations, vol 67, 2009.
10. Amini Gheshlaghi Davood & Mohammadbagher Chokhachizadeh Mogaddam (2010), Grounds behind Insecurity in Border Areas of West Azerbaijan Province from the Viewpoint of Military-Security Geography , International Quarterly of Geopolitics, No.3, pp.186-210 [in Persian].
11. Bekic, Janko. (2016). Kurds in Iraq seek independence 100 years after Sykes-Picot , Institute for Development and International Relations.
12. Flanagan, Stephen J & Brannen, Samuel J. Turkey's Shifting Dynamics Implications for U. S.-Turkey Relations, 2008.
13. Guner Serdar, (1997), □The Turkish-Syrian War of Attrition the Water Dispute□, Studies in Conflict and Terrorism, Vol. 20, No. p. 107.
14. Hentov Elliot (2011), Turkey's global Strategy: Turkey and Iran, IDEAS Report, London School of Economics and Political Science, London.
15. International Crisis Group. (2017). Turkey's PKK Conflict: The Rising Toll.
16. KARACASULU, Nilüfer & İrem AŞKAR KARAKIR, (2011), Iran-Turkey Relations in the 2000s: Pragmatic Rapprochement, Vol: 11 • Number: 1, pp. 1399 -1407.

17. Koolaei Elaheh(2009), The new Great game in central asia, Tehran. Foreign ministry publication .
18. Tokmajyan, Armenak (2012), □Turkey, Syria, and the Kurds□, The Washington Review of Turkish & Eurasia Affairs,
19. Turkey□s Kurdish Question: Historic Foundations and Contemporary Issues, 27 June, 2016, Afro-Middle East Centre
20. STEIN, AARON; BLEEK, PHILIPP C. Turkish-Iranian Relations: From "Friends with Benefits" to "It's Complicated". Insight Turkey . 2012, Vol. 14 Issue 4, p137-150. 14p .
21. International Crisis Group. (2016). Turkey and Iran: Bitter Friends, Bitter Rivals , Middle East Briefing, No. 51, 13 December.
22. Mousavi Hafez and Others (2016), The Impact of Arab World Upheavals on Iran-Turkey Regional Policies, International Quarterly of Geopolitics, No.1, pp.166-188[in Persian].
23. Olson Robert (2005), Kurdish problem and iran- turkey relation, translated to Persian by: Ibrahim Yonessi, Tehran: paniz publications.
24. Yildiz Kerim (2005), The Kurds in Turkey, EU Accession and Human Rights, London: Pluto Press
25. www.cia.gov.
- 26.
27. www.Csr.ir